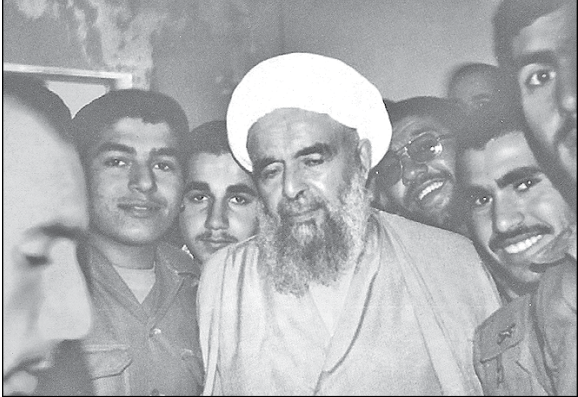


از ۱۳۵۷/۹/۲۸ به بعد، گزارش شهود مکالمات آیت‌الله صدوقی به ثبت نرسیده و اقدامات ساواک یزد در جریان نقل و انتقال اسناد به شرح زیر گزارش شده است: «به منظور انتقال اسناد و مدارک این سازمان در مواقع ضروری به محل امن، با رئیس شهربانی یزد



امام خمینی (ره):

شهید صدوقی برای خدمت به خلق و انقلاب سر از پانمی شناخت



*** امام خمینی (ره): شهید بزرگوار ما و فقیه متعهد و فداکار اسلام شهید صدوقی عزیز رضوان‌الله علیه: شهید بزرگی که در تمام صحنه‌های انقلاب حضور داشت و یار و مددکار گرفتاران و مستمندان بود و وقت عزیزش صرف در راه پیروزی اسلام و رفع مشکلات انقلاب می‌شد و برای خدمت به خلق و انقلاب سر از پا نمی‌شناخت.**

شد ظرف روز جاری به تدریج پرنوده‌ها و مدارک به شهربانی و زندانمری انتقال داده شود- تا چنانچه اجرائی طرح اضطراری لازم شد مشکلاتی از نظـر حفاظتی پیش نیاید و در صورت لزوم کارمندان نیز در شهربانی مستقر شوند».
گزارش نویهای اطلاعاتی شماره ۲۸ فرماندساری نظامی چنین آمده است،
«ساعت ۰۰۱۰ مأمور کالتری ۱ یرد چند تیر هوائی شلیک و اظهار داشت که چند نفر قصد حمله به شهربانی را داشتند. ساعت ۰۹۰۰ ظاهر کنندگان یزد به ساختمان ساواک حمله و آن را محاصره نمودند که پس از تیراندازی مأمورین، ساختمان از محاصره خارج و کارمندان و اسناد آن به زندانمری تخلیه گردید. در این درگیری ۳ نفر غیرنظامی کشته و ۱۶ نفر زخمی شدند. اعتصاب و کمکاری در سطح استان کمآکان ادامه دارد».

کار به آنجا رسید که حزب رستاخیز شاه هم وارد گود شد تا بلکه علت احتضار سینیما ایران را دریابد. در نخستین جلسه این حزب که ۱۸ خرداد۱۳۵۶ (برگزار گردید، داریوش همایون (قائم مقام بکر کل حزب، عبدالمجید مجیدیوزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه) و نمایندگان گانی از وزارت فرهنگ و هنر، داریایی و امور اطلاعاتی، کار و امور اجتماعی و همچنین شهرداری تهران و هنرمندان و روزنامه نگاران حاضر داشتند و عباس شهبازی (دبیر انجمن تهیه کنندگان)،هاشم خرمند (مشاور وزیر فرهنگ و هنر و معاون حوزه سینمایی)، علی عباسی (تهیه کننده)، سعید مطلبی (نویسنده، کارگردان و نماینده انجمن کارگردانان)، رضا فاضلی (تهیه کننده و بازیگر)، محمد کهمومی (بازیگر)، نظام فاطمی(نویسنده و کارگردان)، مسعود پهنود(روزنامه نگار)، محمد ابراهیمیان (منتقد فیلم) و علیرضا میددی (سرپرست جلسه از



حسینعلی بها در مقایسه با برادر دارای ویژگیهای بود که به خاطر همین ویژگیها توقع داشت، علی محمد او را جانشین خود معرفی کند اما چنین نشده بود. به همین جهت با روش فریبکارانه و دوراندیشی مقدمات ماهرانه‌ای چسبد که به تدریج قدرت رهبری بابیان را از برادر بگیرد. بخت نیز با یار بود که عده‌ای از سسران درجه اول بایبیت قبل از کشته شدن علی‌محمد و در زمان او از میان رفته بودند. علاوه بر این، پس از حادثه سوء قصد که در خشم ناصرالدین شاه بر بابیان باقیمانده انجمید، آشفتنی محسوسی میان بابیان به وجود آمده بود که در عمل صبح ازل بر رفغ آن قادر نبود، پس بها کوشید تا برای رسیدن به هدفش ازل را با این بهانه که جانش در خطر است، از دید همه دور نگاه دارد و خود را به عنوان معاون و همکار صبح ازل همه کاره او نشان دهد. از این رو به بابیان اجازه نمی‌داد تا صبح ازل را ببینند و به حضورش بروند.

بنابراین پس از مدتی بابیان او را همه کاره دیدند و به جز یک نام از میرزا یحیی صبح ازل چیزی

* وزیر مختار انگلستان اظهار داشت که میرزا آقاخان تبعه انگلستان است و ورقه تابعیت دارد و از این تاریخ باید مانند سایر اتباع انگلستان در خانه خود مصون و محفوظ بماند.

نمی‌شنیدند. در این زمان دو برادر در عراق به سر می‌بردند. مدتی بعد از اعدام سید علی محمد شیرازی، صدر اعظم وقت یعنی امیرکبیر که برای رفع غائله بابیان زحمات زیادی کشیده بود و شاید اگر وی بر مسند صدارت نبود، غائله بابیان از میان نمی‌رفت، در توطئه‌ای در باغ فغن کاشان به قتل رسید. مرگ او، باعث امیدواری بابیان شد و تصمیم گرفتند تا به رهبری شیخ علی عظیم، شاه را که در نیاوران بود، به قتل برسانند و زمام امور کشور را با تصرف ادارات دولتی در تهران به دست گیرند. به خصوص این که صدارت ایران پس از امیر به مردی ضعیف معلوم الحال به نام میرزاآقاخان نوری رسیده بود. میرزا آقاخان نوری یکی از علمان انگلستان بود که حدیث سرسپردگی‌اش حکایتی مفصل دارد.

در کتاب تاریخ رجال ایران درباره وی آمده است: «در زمان سلطنت محمدشاه به حاجی میرزا آقاسی خبر دادند که شب‌ها میرزا آقاخان نوری که در آن وقت لشکرنویس بود، با لباس میل به سفارت انگلستان می‌رود. حاجی میرزا آقاسی در سال ۱۲۶۱ ق. در اطراف سفارت مأمورینی گماشت که میرزا آقاخان را پس از خروج از سفارت دستگیر کردند و به خانه حاجی میرزا آقاسی که در همین مکان کاخ دادگستری باشد، آورده در طویله محبوس و فردای آن روز در حضور امنا و ارکان دولت بایشان را به جرم جاسوسی فلک می‌کنند و به امر جناب حاجی یانصد جوش می‌زنند! پس او را[به کاشان تبعید کردند. در آن جا بود تا محمدشاه فوت کرد. وقتی که چهان خاتم مهدعلیا آمدار ناصرالدین ششاه تا آمدن ناصرالدین ششاه از تبریز به تهران، خودش نایب‌السلطنه شد، میرزا آقاخان که با خانم سابق سابق سر و سسری داشت و خانم وعده صدارت به او داده بود، بی‌خبر به تهران آمد و در عبارت خورشید خانه مهدعلیا منزل کرد. میرزا تقی‌خان امیرکبیر که از تبریز با ششاه با سمت صدارت به پایتخت وارد شد، از میرزا آقاخان مواخذه کرد که چرا بدون اجازه از کاشان به تهران آمده است و امر کرد که با کاشان برگردهد.»

میرزا آقاخان که از ایام سابق خود را تحت حمایت دولت بریتانیا درآورده بود، به سفارت انگلیس در قلهک متحصن و به قولی دیگر بست نشست شد و هر قدر سفارت وساطت او را در نزد میرزا تقی‌خان نمود که به کاشان نرگرده، مورد قبول واقع نشد و امیرکبیر فشار آورد و گفت که بایستی حتماً به کاشان برگردد.

وقتی که کار به اینجا کشید، وزیر مختار انگلستان اظهار داشت که میرزا آقاخان تبعه انگلستان است و ورقه تابعیت دارد و از این تاریخ باید مانند

کرد که ابتذال کار هم در این ورشکستگی سهم عمده ای داشته است...»
به این ترتیب سرانجام تمامی‌تعاملات حکومت پهلوی با سینیما ایران در واقع به بن بستی تکان دهنده انجمید که این سینیما را به ورطه نابودی و هلاکت کشانید. یعنی تمامی‌برنامه‌ها و طرح‌های استعماری و امپریالیستی همیای سیاست‌های تقریباً نیم قرنی آنها در مقابل آگاهی مذهبی، شور انقلابی و اعتماد و باور نوده‌های مردم به رهبران دینی خود، رنگ باخت و نابود شد. شکست سینیما شاهانه چه از نوع فیلمسازی و چه از مدل موج نو و شبیه‌روشنفکری‌اش در سال ۵۶ نشانگر مرگ محتوم پروژه‌های دراز مدت و کوتاه مدت استعمار و امپریالیسم جهانی در مقابل اعتقادات اسلامی‌ملت ایران بود.

... بر خاکستر سینیمای طاغوتی
حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) در سخنرانی ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ در بهشت زهرا تحلیل جامع و مانعی درباره فرهنگ و هنر طاغوت به خصوص در زمینه سینیما و تلویزیون ارائه کردند که می‌توانست سرنوچه کار دست‌اندرکاران سینیمای پس از انقلاب قرار گیرد و سینیما را در این مرز و بوم در جایگاه شایسته خود بنشانند. ایشان در آن سخنرانی تاریخی فرمودند: «... این (شاه) دیه واسطه نوکری که داشته، مراکز فحشا درست کرده

تلویزیونش مراکز فحشاست، رادیوش – بسیاری‌اش – فحشاست. مراکز که اجازه دادند برای اینکه باز باشد، مراکز فحشاست. اینها دست به دست هم دادند. در تهران مرکز مشروب فروشی بیشتر از کتاب فروشی است، مراکز فساد دیگـر ای ماشاء الله است. برای چه؟ سینیما ما مرکز فحشاست. ما با سینیما مخالف نیستیم، ما با مرکز فحشا مخالفیم، ما با رادیو مخالف نیستیم، ما با فحشا مخالفیم. ما با تلویزیون مخالف نیستیم، ما با آن چیزی که در خدمت برای عیب نگه داشتن جوانان ما و از دست دادن نیروی انسانی ماست، با آن مخالف هستیم. ما کـی مخالف کردیم با تجدد؟ با مراتب تجدد؟ مظاهر تجدد وقتی که از اروپا پیشا را در شرق گذاشت – خصوصاً در ایران – مرکز انعطیفی که باید از آن استفاده تمدن بکنند ما را به توحش کشانده است، سینیما یکی از مظاهر تمدن است که باید در خدمت این مردم، در خدمت تربیت این مردم باشد، و شما می‌دانید که جوانهای ما[اینها (دست‌اندرکاران سینیمای پیشا از انقلاب) به تباهی کشیدند. و همین طور سایر این امرکز]. ما با اینها در این جهات مخالف هستیم. اینها (سینما و تلویزیون) به همه معنا خیانت کرده‌اند به مملکت ما...»

فحشا مخالفیم. ما با تلویزیون مخالف نیستیم، ما با آن چیزی که در خدمت برای عیب نگه داشتن جوانان ما و از دست دادن نیروی انسانی ماست، با آن مخالف هستیم. ما کـی مخالف کردیم با تجدد؟ با مراتب تجدد؟ مظاهر تجدد وقتی که از اروپا پیشا را در شرق گذاشت – خصوصاً در ایران – مرکز انعطیفی که باید از آن استفاده تمدن بکنند ما را به توحش کشانده است، سینیما یکی از مظاهر تمدن است که باید در خدمت این مردم، در خدمت تربیت این مردم باشد، و شما می‌دانید که جوانهای ما[اینها (دست‌اندرکاران سینیمای پیشا از انقلاب) به تباهی کشیدند. و همین طور سایر این امرکز]. ما با اینها در این جهات مخالف هستیم. اینها (سینما و تلویزیون) به همه معنا خیانت کرده‌اند به مملکت ما...»

بر همین اساس بعد از پیروزی انقلاب اسلامی‌تصمیم بر آن شد تا سینیمای انقلاب پایه‌گذاری شود. سینیمای که با مظاهر طاغوتی و ابتذال هیچ تناسبی ندارد. سینیمای که قرار بود به فرمایش حضرت امام از مظاهر تمدن باشد. اما تصوری که به غلط وجود داشت، این نکته بود که آنچه حضرت امام در سخنرانی ۱۲ بهمن ۵۷ بهشت زهرا ی خویش، به عنوان فحشاء در سینیمای ایران اشاره کرده اند، فقط سینیمای فیلمفارسی و به اصطلاح آگوستی فردین و فروزان بوده و سینیمای که در همان دوران به موج نو شهرت یافت، در واقع در مقابل آن قرار داشته است. در حالی که حقیقت این بود هر دو نوع سینیمای یاد شده (چنان‌که در همین کتاب و براساس اسناد و نوشته‌ها و گفته‌های کارشناسان و دست‌اندرکاران و مورخین این سینما آمد)، در واقع دو لبه یک قیچی بودند برای قلع و قمع فرهنگ ایرانی و اسلامی‌این مرز و بوم.

۱- مه‌رداد پهلبدروزیر فرهنگ‌شاه و شوهر دوم ششم پهلوی)، مهدی بوشهری پور (شوهر اشرف پهلوی)، فراگروز و برادران رشیدیان (جاسوسان پیشانی سفیدسفارت انگلیس) که در قسمت‌های قبلی گفت و گو با شایوز، به طور مشروح توضیح داده شد.



انگلستان برای حمایت از جاسوسشی به او لقبیت داد



میرزا آقاخان نوری جاسوس انگلستان بود که شب‌ها به لباس میل به سفارت انگلستان می‌رفت. حاجی‌میرزا آقاسی دستور داد تا او را دستگیر و پس از تنبیه به کاشان تبعید کردند. انگلستان برای حمایت از آقاخان نوری به او تابعیت انگلستان داد.

* در زمان سلطنت محمدشاه به حاجی میرزا آقاسی خبر دادند که شب‌ها میرزا آقاخان نوری که در آن وقت لشکرنویس بود، با لباس میل به سفارت انگلستان می‌رود. حاجی میرزا آقاسی در سال ۱۲۶۱ ق. در اطراف سفارت مأمورینی گماشت که میرزا آقاخان را پس از خروج از سفارت دستگیر کردند.

سایر اتباع انگلستان در خانه خود مصون و محفوظ بماند. پس با ارائه ورقه تابعیت، وی را به عنوان یک نفر تبعه انگلستان تلقی کرده و قرار شد در خانه خود اقامت کند و به هیچ وجه با کسی ملاقات و مراوده نداشته باشد.^(۱)
میرزا آقاخان نوری همچنان در تبعیت انگلستان بود تا زمانی که به تحریک انگلستان و دستبندی‌های سیاسی، میرزاتقی‌خان ابتدا عزل و سپس به قتل رسید. پس از آن انگلیسی‌ها میرزا آقاخان نوری را برای جانشینی امیرکبیر پیشنهاد کرده و از شاه خواستند که او را به صدارت برساند، مانع عمده پذیرفتن ناصرالدین شاه این بود که میرزا تبعه دولت انگلستان بود. پس میرزا آقاخان از تبعیت دولت انگلستان خارج و صدراعظم ایران شد!

لیدی شیل همسر جاستین شیل وزیر مختار انگلیس در کتاب شمه‌ای از زندگانی و اخلاق ایرانیان می‌نویسد:

«میرزا آقاخان عریضه‌ای به شوهرم نوشت که چون صدراعظم ایران می‌شوم، استدعا دارم فعلاً مرا از تابعیت دولت انگلیس معاف بفرمایند. شوهرم در حاشیه‌عریضاش مرقوم داشت: افتخار تابعیت دولت انگلیس بیشتر از تاج کیان است.»^(۲)

گفته می‌شود که میرزا آقاخان مردی بلند بالا، تنومند و خوش‌سیمما با چشمان آبی‌رنگ و ریش بلند مانند ریش فتحعلی شاه قاجار، بسیار هززه ،شوخ، خوش صحبت و بذله‌گو ولی بی‌اندازه مکار، مدبر، حیه‌لر، جاهطلب و کینه جو بوده است. درباره حیه‌لری، شیطنت و پشت هم‌انزاری او در میان مردم چنین عبارتی مشهور بود که شیطان تا پس قلعه می‌آید، از آن جا می‌پرسد که میرزا آقاخان در

تهران است؟
جواب می‌دهند که بله! پس شیطان از آمدن به تهران منصرف شده و می‌گوید: جایی که میرزا آقاخان هست من راه ندارم یا باید جای او باشد یا جای من و برمی‌گردد.

۱- بست‌نشدینی در اماکن ویژه‌ای مانند مسجد و امامزاده از قدیم در میان ایرانی‌ها رایج بود. در طول قرن نوزدهم سفارت‌خانه‌های روسیه و انگلستان هم به لیست اسامی ویژه بست‌نشدینی اضافه شده بودند و بست‌نشدینان حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای موفق شدند با حمایت خارجی‌ها از تنبیه راه‌های پیدا کنند. همین طور تلگراف‌خانه‌های کمپانی تلگراف هند و اروپا نیز به این اسامی اضافه شدند. رایت در این باره می‌نویسد: «مردم ایران از این که شسیل به عنوان اولین نماینده انگلیسی سفارت‌خانه را به محل بست‌نشدینی نوازیشان، آوایش و افراد تشرید تبدیل کرده بود، شکایت داشتند.» در واقع از اوایل سال ۱۸۲۸ م. میان دو دولت ایران و انگلستان درباره شهروندان ایرانی که در طول جنگ به ساختمان نمایندگی انگلستان در بوشهر پناه می‌بردند، برخوردهایی به وجود آمده بود.

انگلیسی‌ها علت کمک به پناهندگان را این طور توجیه می‌کردند که در صورت در پیش گرفتن رویه دیگری به اعتبار و آبروی انگلستان در میان ایرانیان لطمه وارد آمده و این اعتبار کاهش می‌یابد.

اما واقعیت این بود که در بیشتر مواقع پناهنده‌گان به سفارت‌خانه‌ها صاحب منصبان و درباریانی بودند که از ترس خشم شاه، به سفارت روی می‌آوردند و با توجه به قانون ممنویت سفارت، از این خشم در امان می‌ماندند. بسیاری از آن‌ها پس از زهائی به عوابع اعمالی که به خاطر آن به سفارت پناه برده بودند، در خدمت دولت انگلستان درمی‌آمدند.

در دوران شیل محل سفارت در تهران و قلهک به دفعات مورد استفاده پناهندگان قرار گرفته که به همراه وسایل خواب و آذوقه برای چند روز یا حتی چند ماه در

سفارت بست می‌نشدند. علاوه بر سفارت‌خانه انگلستان در قلهک، گاهی تلگراف خانه‌های قی، یزد، کرمان و سایر تلگراف خانه‌های متعلق به انگلستان شاهد این بست‌نشدینی‌ها بود.

انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، رایت می، ۱۱۰ – سرهنگ جاستین شیل از محله ۲۴ افسر انگلیس بود که در اواخر سلطنت فتحعلی شاه (۱۲۴۹ ق – ۱۸۲۴ میلادی) برای تعلیم ارتش ایران، به خصوص سربازان آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور

آذربایجان، استخدام و به ایران آمد. دولت انگلستان این افسران را از میان افسران حاضر در هندوستان انتخاب و به ایران فرستاد تا در جنگ با سپاه حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس شرکت کنند.

شیل تا سال ۱۲۵۲ قمری در ایران بود و چون لشکر کشی محمدشاه به هرات در این سال برخلاف میل انگلستان انجام شد، به همین جهت به افسران انگلیسی دستور